

موسیقی شرق مثل اکثر بدین‌ه‌های هنری دیگر در این سامان، بیش از اینکه مورد توجه و تحقیق و اقبال اهل نظر در مشرق زمین قرار گیرد توسط مستشرقین و محققان غربی مورد توجه است و تقریباً همگی می‌دانیم که بسیاری از تم‌ها و زمینه‌های اصلی موسیقی موجود جهان غرب ریشه در موسیقی نواحی و مناطق دیگر نقاط جهان بویژه افریقا و آسیا دارد. بدین لحاظ این فصلنامه سعی دارد علی‌رغم همه کمبودهایی که در زمینه تحقیق درباره‌ی موسیقی شرق وجود دارد تا حد ممکن به بررسی موسیقی شرق پردازد. در این راستا برادرمان جناب آقای مددی تحقیقی درخصوص موسیقی افغانستان نوشته‌اند که بخش موسیقی محلی و سبک‌های آن به شما خوانندگان تقدیم می‌شود.

همانگونه که می‌دانید کشور افغانستان آمیخته‌ای از ملیتها

و اقوام مختلف با زبانها و لهجه‌ها مختلف است که این اختلافات زبانی و قومی در حوزه موسیقی نیز سبکی مخصوص و مربوط به محدوده فرهنگی خویش را ایجاد کرده است. هر چند که در این روزهای سیاه برادرکشی در افغانستان این نغمه‌ها در بسیاری از مناطق این کشور نسبتاً خاموش شده است و زمزمه‌ها، سوگواریه‌ها و مویه‌های مادرانه موسیقی حاکم بر افغانستان شده است. لیکن همه ما امیدواریم شور و نشاط جایگزین سوز و گداز گردد و مردم این دیار با تکیه به هنر ملی و بومی خود به هنر زندگی جمعی که از مهمترین هنرهاست، دست یابند. (مقام)

#### موسیقی لوگری

این سبک کاملاً منحصر به فردی است که نغمات آن



موسیقی در جهان

## سبک‌های

• عبدالوهاب مددی **موسیقی محلی**

## افغانستان

به صورت خاص دارای ریتم شاد و تند است به طوری که می توان آن را به صورت کل، موسیقی رقص افغانستانی نامید. ویژگی این سبک موسیقی در این است که با تمام سادگی اش از غنا و تنوع سرشاری در موسیقی برخوردار بوده و با تغییر ضربها و تبدیل ملودیها در خلال یک آهنگ واحد و در چوکات یک مقام (دستگاه) مشخص از شکل یکنواخت خودش خارج شده و بر شنونده تأثیر گوارایی می بخشد، درست مثل یک پارچه «سویت» در موسیقی اروپایی که یکی از شیرینترین و جذابترین بخش های موسیقی لایت غربی است. دسته موسیقی محلی بوگری معمولاً متشکل از چهار آله موسیقی است که عبارتند از هارمونی، ریاب، سرنده، و دهل. به جز هارمونی که یک آله موسیقی بین المللی است. سایر آلات از جمله آله های اصیل موسیقی

افغانستانی اند که حین اجرای آهنگ، نوازندگان آنها در عین حال که ملودیهای اصلی هر آهنگ را به صورت یکجایی می نوازند به موازات آنها به اجرای یک سلسله نوآوریها و بداهه سازیها می پردازند که از لطف خاصی برخوردار است. آوازخوانهای مربوط به این سبک موسیقی در هر دو زبان پشتو و دری آوازخوانی می کنند و اشعاری که در قالب موسیقی محلی لوگری اجرا می شوند، بیشتر عبارتند از غزل، تصنیف و سروکی

#### موسیقی هراتی

این سبک موسیقی کهن در کشور که ریشه هایش از موسیقی باستانی خراسانی آب می خورد، در سه ولایت هرات، غور و بادغیس آرایش بوده آوازخوانان این سبک



آهنگهایشان را بیشتر در قالب غزلها، رباعیات، دوبیتیها و تصانیف به زبان دری می خوانند و آلات موسیقی مخصوص آن در گذشته چهارتار، دوتار، ستور، دف و زیربغلی بوده ولی در زمان حاضر عبارتند از: دوتار، رباب، هارمونی، دایره، زیربغلی و زنگ.

### موسیقی ننگرهای

این سبک از نگاه تنوع آهنگها و محتویات شعری خود یکی از غنی ترین و اصیل ترین سبکهای موسیقی افغانستانی است، چنان که «حجره مجلس»ها و «دیره مجلس»هایی که توسط آوازخوانان ولایت ننگرهار برگزار می شوند از غنا و اصالت خاص هنری برخوردار هستند. اشعار این سبک موسیقی به زبان پشتو خوانده می شوند و آلات موسیقی مخصوص این سبک عبارتند از هارمونی، رباب، دهل، منگی<sup>۲</sup>، سرنده و طبله.

### موسیقی پکتیایی

این یکی از سبکهای معروف موسیقی در کشور ماست و اما آهنگهایی که به این سبک موسیقی رنگ خاصی می بخشند عبارتند از «غزنی سندی» یعنی سرودهای کوهی، «خوکی سندی» یعنی ترانه های حماسی، «آتن سندی» یعنی آهنگهایی که حین اجرای «آتن»<sup>۳</sup>ها خوانده می شوند، «تیرا والی سندی» یعنی آهنگهای تیرایی<sup>۴</sup> و «ساتانونه»<sup>۵</sup>. یعنی داستانهای عشقی و تاریخی مثل داستان «آدم خان و درخانی» و غیره که معمولاً توسط دو آوازخوان اجرا می شود. آلات مخصوص موسیقی این سبک عبارتند از هارمونی، رباب، دهل، چمبه (دایره)، سرزنده، شپلی و سرننا. آوازخوانان معروفی که بیشتر از دیگران در این سبک، آهنگهایی به آوازشان در آرشیف موسیقی رادیو افغانستان موجود است عبارتند از: گل زمان، تجلی، خیرمحمد خندان، جمیل، حکیم نوراکاخیل، سیدمحمد، خان زمان، گلرسول، موسی گل، پاینده گل و میرسلام خوستی. ولی هنرمندی که هم آواز می خواند. هم شعر می سراید و هم آهنگ می سازد و در حال حاضر سر حلقه هنرمندان پکتیا بوده، خدمات ارزنده و فعالیتهای چشمگیری در این عرصه انجام داده است، گل زمان است که ما سخنهای بیشتری در مورد او و هنر او داریم:

گل زمان در سال ۱۳۱۶ هجری خورشیدی در قریه چشمه (چینه کله) مربوط لوی ولسوالی خوست<sup>۶</sup> به دنیا آمده. نام پدرش میرزمان بوده و پیشه دهقانی داشته است. هنوز بیش از هفت سال از عمر گل زمان نگلخته بود که به موسیقی علاقه پیدا کرد و نخست یک چمبه تهیه نمود که به همراهی آن و به اشتراک دختران و پسران هم سن و سالش در گوشه و کنار قریه اش آوازخوانی می کرد. زمانی که چهارده سال از سن او می گذشت، دو برادر بزرگترش، یکی

امان الله با یک جوهر<sup>۱</sup> طبله و دیگری مشعل با یک هارمونی به او پیوستند و یک دسته هنری راپی ریزی کردند. بعداً یک شاعر شوقی به نام ایازلندی به حیث آوازخوان و یک دهل نواز به نام سیداخان با سه نفر یاد شده یکجا شدند و به عنوان یک دسته هنری در مجالس و محافل شادی مردم در ولایات پکتیا، لوگر و مناطق پشتونخوا<sup>۷</sup> مخصوصاً وزیرستان، بنو، ککرستان، ختک، کورم اجنسی، گوات، تیا، اتک، مردان، چهارسده، سوات<sup>۸</sup> و غیره به مدت چند سال هنرنمایی کردند تا این که در سال ۱۳۴۲ پدر گل زمان وفات کرد و یک سال بعد (۱۳۴۳) گل زمان به کابل آمد و در رادیو افغانستان به آوازخوانی آغاز نمود.

نخستین آهنگی که به آواز گل زمان از رادیو بخش شد، آهنگ معروف فولکلوریک (غُندی مُندی) بود که یکی از بهترین آهنگهای اوست. گل زمان از آن دسته آوازخوانان رادیو افغانستان است که بیشترین آهنگهای پشتو را در رادیو خوانده اند چنان که به آواز او حدود هشتصد آهنگ در آرشیف موسیقی رادیو افغانستان و بیش از هفتاد آهنگ در آرشیف موسیقی تلویزیون موجود است. وی تاکنون برای اجرای کنسرتهای رسمی اش یازده بار به اتحاد شوروی، شش بار به پاور، پنج بار به کویت، یک بار به هندوستان، یک بار به ایران، یک بار به منگولیا<sup>۹</sup>، یک بار به چکوسلواکیا و یک بار به جمهوری دموکراتیک آلمان مسافرت کرده است که گاه مدالهایی نیز به او اهدا شده. او در سال ۱۳۶۱ به اخذ جایزه دوم اصلی در آوازخوانی و در سال ۱۳۶۲ به اخذ جایزه دوم اصلی در آهنگسازان - به سلسله جوایز هنری و کلتوری از کمیته دولتی کلتور وقت - نایل شده است. گل زمان در مومنیقی شاگرد محمد دین زاخیل است ولی شاگردان خودش به گفته خود او تجلی (برادرش)، خیرمحمد خندان، گلرسول و ریتا و ژمه هستند. او علاوه بر دایره که معمولاً حین اجرای آهنگهای فولکلوریک آن را می نوازد، در نواختن هارمونی، رباب، ماندولین، دهل و شپلی نیز مهارت دارد. وی که یکی از آوازخوانان بسیار خوب رادیو تلویزیون است از آهنگسازان مطرح کشور نیز به شمار می رود، نه تنها برای آواز خودش بلکه برای عده زیادی از آوازخوانان معروف از جمله خانم پروین، قمرگل، گلشن، ریتا و ژمه، عزیزه افغان، بخت زمینه، افسانه، ناهید، ماری مهتاب، رخشانه، فتانه، پرستو، نغمه، منگل، اسماعیل پیروز، طلالمحمد، سیدهلم، نعمت الله، عبدالله مقری، منور، حیات گردیزی، رحیم غفاری، شهروان، تجلی، خیرمحمد خندان، گلرسول، موسی گل، زرحانگه، خان تاسیل، گلناریگم و هدایت الله آهنگهایی ساخته است که می توان گفت در یکی دو دهه اخیر هیچ هنرمند دیگری به این پیمانان آهنگ جدید پشتو برای آواز خود و دیگر آوازخوانان نساخته است. گل زمان دو بار ازدواج نموده از همسر اولش که وفات نموده و همسر دومی اش جمعا شش پسر و یک دختر

دارد که هیچ یک شان هنرمند نیستند.

بی رقیب. او در مصاحبه ای که نگارنده باری با وی داشت<sup>۱۵</sup>، به دورنمای زندگی هنری اش این طور اشاره نموده بود:

«درست به خاطر ندارم چند ساله بودم که شنیدم سیف الدین مخدوم آوازخوان پرآوازه پس از فرا گرفتن اصول و مبادی موسیقی کلاسیک از یکی نزد حاجی عبدالعزیز سمرقندی که در تاشکند اقامت داشت، به وطن برگشته. نخست پدرم که خود از هنرمندان سرشناس وطن بود شاگرد او شد و بعد مرا شاگرد وی ساخت و من از آن استاد گرانمایه در کسب مبادی موسیقی از یکی استفاده‌ها نمودم. بعد چهار تن دیگر از هنرمندان معروف موسیقی از یکی (صدرالدین حافظ، قاری آبجوش، صدیق حافظ و عمرقل) حدود نیم قرن پیش از امروز از جمهوری ازبکستان اتحاد شوروی به افغانستان آمده و در اندخوی مسکن گزین شدند. من از این استادان نیز چیزهای زیادی آموختم و ولی یگانه کسی که انگشتانم را روی پرده‌های دوتار از یکی و سه تار تاجیکی آشنا ساخت و نواختن این دو آله موسیقی را به من آموخت، استاد صدرالدین حافظ مشهور به حافظ اکه بود که در سال ۱۳۵۴ هجری خورشیدی دیده از جهان بست و به همت دوستان و

### موسیقی ازبکی<sup>۱۳</sup>

محدوده این سبک موسیقی که به زبانهای ازبکی و دری اجرا می شود مناطق ازبک نشین افغانستان است. آلات موسیقی مخصوص این سبک، غیچک، دنیوره، دوتار ازبکی، دایره، زنگ و چنگ هستند. در قلمرو موسیقی ازبکی هنرمندان نامداری طی سده های گذشته در کشور باستانی ما تبارز نموده اند، هنرنمایی کرده اند و بالاخره چشم از جهان پوشیده اند، بدون آن که کمترین اثری چاهی یا آهنگی ثبت شده در نوارهای موسیقی از آنان به جا مانده باشد. هنرمندان معروف موسیقی ازبکی تا آن جا که نگارنده را به نامهایشان دسترسی پیدا شد عبارتند از استاد عبدالغفور کمال، فیض احمدی، خدای قل، مردان قل، عصمت الله رهیاب، عبدالله، سیداحمد و سیدجعفر (که همه این ها «اندخویی» تخلص می کنند)، بنگیچه خلمی، چاری میمنه ای، تاج محمد انتظار، رشیده (ژاله)، سبزه گل، لطافت، نسیمه رشید، منولوده (نشاط)، محمدصابر،

## ● موسیقی شرق، مثل سایر شئون هنری مشرق زمین، بیشتر توسط مستشرقین و کارشناسان غربی تحقیق شده است.

شاگردانش بر قبرستان چهارده معصوم شهر اندخوی به خاک سپرده شد... استاد عبدالغفور کمال در مورد مقامهای موسیقی ازبکی - که معمولاً هر یک از آنان با یک «سراخبار» یا «سرمقام» آغاز می شود - طی سؤالی چنین گفته بود: «همان طوری که در موسیقیهای مختلف جهان مقامهای مختلفی وجود دارد، در موسیقی ازبکی نیز مقامهایی داریم به نامهای بیسات، عشاق، شهناز، گل یار، دلخراش، مستهزاد، گریه، دوگاه، گلعداز، عراق، نوا، ادا، نشر عشاق، مغلجه دوگاه، چول عراق و اویر عراق که آوازخوانان موسیقی کلاسیک ازبکی این مقامها را همراه با یک دوتار ازبکی که دوتار روده ای و هفده پرده دارد در قالب اشعاری از شعرای پیشین زبان ازبکی مثل امیرعلیشیر نوایی، فضولی، مقیمی، خصلت، فرقت، حزینی و غیره می خوانند...»

به آواز استاد عبدالغفور کمال جمعاً آهنگ ازبکی در رادیو و تلویزیون ثبت شده است. وی شاگردانی نیز تربیت نموده است که معروفترین آنها سیداحمد، عبدالرشید، محمد ایوب و سیدجعفر قویاش هستند ولی یگانه شاگردی که به گفته استاد چراغ اورا روشن نگاه خواهد داشت و روزی

خیرمحمد، عبدالاحد سحر، عبدالله درمان، حکمت جو، محمد عمر، غفورجان وفا، سعیدالله آغا کندوزی، ملابابه، صالح، حسایی، حبیب الله دقاق، محمد ایوب، محمد عالم، محمد کاظم، عبدالشکور، فضل الحق یولچی و عده ای دیگر. در این جا لازم می افتد از سه استاد معروف دیگری نیز یاد نماییم که صمری در راه موسیقی خدمت نموده اند و شاگردانی به جامعه تقدیم کرده اند یعنی ضیا خواجه منصور (استاد دوتار)، بابه قیران (استاد دنیوره) و حاجی شاه مردان قل مشهور به شاه قل صوفی (آوازخوان) که اصلاً ترکمن بوده است، ولی همواره ازبکی می خواند و اما هنرمندی که پرآوازه تر از دیگر هنرمندان ازبکی است، استاد عبدالغفور کمال است که اینک از او و از زبان او صحبتهایی داریم آموزنده و دلچسب.

استاد عبدالغفور کمال در سال ۱۳۰۸ هجری خورشیدی در قریه بابیه خواجه مربوط به ولسوالی اندخوی ولایت فاریاب<sup>۱۶</sup> به دنیا آمده، او یک بار ازدواج کرده که ثمر آن سه دختر بسوده است. وی که خود را شاگرد پدرش سیدکمال الدین نیز می داند در اجرای آهنگهای کلاسیک ازبکی و تاجیکی در کشور ما استادی است مسلم و

جایشین او خواهد شد همان سید جعفر قویاش است که پسر مامای ۱۶ استاد عبدالغفور کمال است و تاکنون بیست آهنگ از یکی به آواز او در رادیو و تلویزیون ثبت شده است.

### موسیقی ترکمنی

هنرمندان این سبک همه در مناطق ترکمن نشین در چند ولایت افغانستان پراکنده اند و همه به زبان ترکمنی آواز خوانی می کنند. این سبک موسیقی همچون سبکهای موسیقی نورستانی و لوگری از نگاه حفظ اصالت خویش درخور توجه است. آلات موسیقی مخصوص این سبک، دوتار ترکمنی، غیچک و دایره هستند و اما هنرمندان معروف موسیقی ترکمنی در حال حاضر عبارتند از سیدعوض بخشی و عبدالشکور بخشی از «شبرغان»<sup>۱۷</sup>؛ عبدالعزیز، محمد سرور، عبدالرحمان و عبدالرحیم از اندخوی؛ احمد، اوراز محمد، شاه مراد قل، حیت قلی، رحمت عبدالله، عبدالرحیم روزی، عبدالله یازمز، عبدالرشید بگلی بخشی، بابیه نیاز، آقامحمد قرقینی، چاری بخشی کندوزی، جمعه گیلدی اندخویی، عبدالغفار، عبدالکریم، محمد امین، محمد عمر، محمد صادق، محمد قل، محمد قربان، محمد هاشم، یوچه، عبدالخلیل و استاد احمد بخشی قطفنی که اینک خواننده عزیز را با چهره ممتاز هنری این هنرمند آشنا می سازیم.

استاد احمد بخشی قطفنی در سال ۱۳۰۳ هجری خورشیدی در قریه «پنگی آریق» که کنون به نام «جوی نو» یاد می شود و مربوط والسوالی «قلعه زال» ولایت «کندوز» می باشد در خانواده ای که هیچ یک از اعضای آن از موسیقی بهره ای نداشتند دیده به جهان گشود. پدرش بوت دوز<sup>۱۸</sup> بود. در زمانی که استاد هنوز کودکی بیش نبود، نام دو آوازخوان معروف ترکمنی در مناطق ترکمن نشین افغانستان بر سر زبانها بود که یکی نام پیرکور معروف بود و دیگر نوبت نیاز نام داشت که به نام آله گوز یا چشم ابلق نیز شهرت داشت. این که چطور احمد بخشی به موسیقی علاقه پیدا می کند دانشستان آن را از زبان خود او می شنویم: «هنوز به اصطلاح دست چپ و راستم را نشناخته بودم که گرویده موسیقی شدم ولی از ترس پدرم جرأت نمی کردم آشکارا ذوق هنری ام را تبارز بدهم و یا دوتاری به دست گیرم. من که عاشق موسیقی بودم برای آن که دور از نظر پدر بتوانم لحظاتی آواز خوانی کنم، برخلاف میل او که می خواست من هم بوت دوز شوم، پیشه دهقانی را انتخاب کردم تا بیشتر وقتم را در مزرعه بگذرانم. در ضمن دوتاری برایم تهیه کردم و در مزرعه با خویش زمزمه می نمودم تا آن که کارم روزبه روز بالا گرفت و آوازم رساتر شد ولی به همان اندازه ای که با گذشت زمان در موسیقی با موفقیت روبه رو می شدم در عشق و ازدواج کارم به ناکامی می انجامید چنان که شش بار ازدواج نمودم ولی هر بار قبل از آن که ثمری

از آن بینم همسرم چشم از جهان می پوشید و کامم از دوری او تلخ می گشت. کنون از واپسین ازدواجم پسری دارم که متعلم صنف<sup>۱۹</sup> سوم مکتب است ...»

او که مردی است لاغر اندام، ظریف و معروفترین هنرمند ترکمنی در کشور ما، در مورد دوتار ترکمنی و مقامهای ترکمنی چنین به صحبت ادامه داد: «دوتار اصیل ترکمنی تارهای ابریشمی دارد و از چوب توت پیوندی ساخته شده است. اما دوتاری که امروز مورد استفاده بعضی از هنرمندان ترکمن از جمله خودم، قرار دارد، تارهای فلزی است و چهارده پرده دارد. در موسیقی ترکمنی سبکهای مختلفی وجود دارد مثل پنج بحر، چهار بیت و غیره. در موسیقی ترکمنی هفت مقام اصلی داریم که عبارتند از شیروان، دوشیروان، هفت شیروان، نوایی، نالش، قریق و رقص قدیم و اما سر مقام ها که در خلال آنها ساز و آواز خیلی ملایم اجرا می شود و قبل از هر مقام، هنرمندان کلابیک خوان به اجرای آنها می پردازند، تعدادشان به هشت می رسد که عبارتند از براق، یرش مز، آوه دن گلین، فلک عمریم، خرداد، گوج گوج، اسلارین و دلبر. لهجه های ترکمنی نیز در افغانستان به سه یا چهار نوع می رسند که به اساس آن موسیقی ترکمنی نیز در هر لهجه از هم فرق می کند، چنان که سبک موسیقی ترکمنهای آقچه و اندخوی با سبک موسیقی ترکمنهای موری چاق ولایت بادغیس<sup>۲۰</sup> و ترکمنهای شهر هرات تفاوت محسوس دارند ...» استاد احمد بخشی قطفنی که از سن بیست سالگی به بعد آواز خوانی می کرد، در مصاحبه یادشده اضافه نموده بود که آوازخوانهای ازبک آهنگهای ترکمنی را اجرا کرده نمی توانند ولی آوازخوانهای ترکمن از عهده اجرای آهنگهای ازبکی برمی آیند. او در آهنگهایی که اجرا کرده است بیشتر از اشعار شاعران متقدم ترکمن مثل نفس، مخدوم قلی، سیدی و غیره استفاده کرده است که ایشان حدود دوصد و پنجاه سال پیش از امروز می زیسته اند. این استاد گران مایه نخستین آهنگش را در سال ۱۳۴۶ در رادیو افغانستان ثبت کرد و آخرین باری که در تلویزیون ظاهر شد، سال ۱۳۵۷ بود. اکنون چهل آهنگ زیبای ترکمنی به آواز او در آرشیف موسیقی رادیو افغانستان موجود است. استاد احمد بخشی قطفنی شاگردانی نیز در موسیقی تربیه نموده است که معروفترین آنها عبدالعزیز، عبدالرحیم، محمدصادق و عده ای دیگر هستند که هیچ یک شان در حال حاضر با رادیو تلویزیون همکاری ندارد.

### موسیقی هزارگی

زادگاه اصلی این سبک موسیقی، ولایت بامیان<sup>۲۱</sup> است ولی در سایر ولایاتی که برادران هزاره<sup>۲۲</sup> ما زندگی می کنند نیز این سبک معمول است و آهنگهای آن به لهجه مخصوص هزارگی در زبان دری و بیشتر در چوکات مقامهای پنج سره

## موسیقی نورستانی

سبک منحصر به فردی است که فقط در مناطق نورستان<sup>۲۳</sup> افغانستان محل اجرا دارد. در این سبک موسیقی که در هر سه منطقه نورستان شرقی، نورستان مرکزی و نورستان غربی رایج است، معمولاً یک آوازخوان به عنوان «پیش خوان» در زبان نورستانی به خواندن می پردازد و یک گروه کورخوان<sup>۲۴</sup> او را در اجرای آهنگ همراهی می کند. آلات موسیقی مخصوص این سبک عبارتند از توله، دایره، سه تار، سگنی، واج و دهل. آوازخوانهای معروف این سبک اینها هستند: عزیزالله شلمیاج، محمداسحاق نورستانی، شیراحمد، بصیراحمد، فضل کریم، شمس الدین، خان محمد، نوراحمد، اشرف، عبدالله کامبیز، جمروز، مبارک شاه، جمیل، غلام نبی، سیدکریم و عده ای دیگر. اینک محمداسحاق نورستانی را که بیشتر از دیگر آوازخوانان نورستانی با رادیو تلویزیون همکاری دارد در این جا معرفی می کنیم.

محمداسحاق نورستانی در سال ۱۳۳۹ هجری خورشیدی در قریه لولوک علاقه داری بر گمتال ولسوالی

(دارای پنج نوت) خوانده می شود. گرچه در سبکهای موسیقی پکتیایی و نورستانی نیز قسمی از آلت موسیقی ضری حین اجرای آهنگ خبری نیست ولی در سبک موسیقی هزارگی به صورت عموم آوازخوان صرفاً با همراهی یک آلت موسیقی (دنبوره) که خود در عین حال نوازنده آن است با دوبیتهای محلی به اجرای آهنگش می پردازد. آوازخوانهای معروف این سبک اینهاست: غلام سرور سرخوش، صفدر توکلی، رحمت الله، سیدعوض، قدیر کریمی، امان الله و عده ای دیگر. اینک صفدر توکلی، یکی از معروفترین آوازخوانان این سبک را که در سالهای اخیر همکار دایمی رادیو تلویزیون بوده، معرفی می کنیم.

صفدر توکلی فرزند فضل احمد است که پیشه دهقانی داشته خودش در سال ۱۳۱۸ هجری خورشیدی در قریه سیاه ده نیتاق مربوط ولسوالی یک ولنگ ولایت بامیان به دنیا آمده است.

وی دوبار ازدواج کرده و صاحب دو دختر است. صفدر توکلی در پهلوی شغل اصلی اش که دوکانداری است، از طریق قرارداد هنری با ریاست موسیقی وزارت اطلاعات

# ویژگی سبک لوگری در این است که با تمام سادگی اش از غنا و تنوع سرشاری در موسیقی برخوردار است

کامدیش ولایت کُتر متولد شده، پدرش عبدالمان نام داشته و پیشه دهقانی دارد. محمداسحاق که در حال حاضر به حیث افسر اردو<sup>۲۵</sup> در قوای راکت اردوی جمهوری افغانستان ایفای وظیفه می کند، در سال ۱۳۵۹ همکاری هنری اش را با رادیو تلویزیون آغاز کرد و تاکنون پنجاه آهنگ در رادیو افغانستان و بیست آهنگ در تلویزیون به آواز او ثبت و پخش شده است. وی مثل همه هنرمندان نورستانی همچون گلی خودروی در بوستان هنر کشور رویداده. او اگر پای درس استاد بنشیند و مدتی فرصت مشق و تمرین بیشتر آهنگهایش را بیابد، با استعداد خوب و ذوق سرشاری که هم اکنون در موسیقی دارد هنرمند پرآوازه ای در قلمرو موسیقی نورستانی خواهد شد. محمداسحاق نورستانی بیشتر اشعار سلیمان سونه را شاعر جوان نورستانی را در آهنگهایش به گزینش می گیرد و در نواختن دایره نیز دسترسی خوبی دارد. وی ازدواج کرده، صاحب یک دختر است و خوشحال است از این که در پهلوی وظایف اصلی اش در بخش نظامی، از طریق هنرش نیز در خدمت هموطنان خویش قرار دارد.

## موسیقی پشه ای<sup>۲۶</sup>

موسیقی پشه ای با کمی تفاوت از نگاه موسیقی با سبک

و کلتور، به صورت منظم و پیگیر آهنگهایش را صرفاً به همراهی یک دنبوره که خودش می نوازد- در رادیو تلویزیون اجرا می کند و در کنسرتها سهم می گیرد. صفدر توکلی صاحب آوازگیری است و بیشتر از هنرمند دیگر از ملیت هزاره آثاری در رادیو تلویزیون دارد. وی یک بار در سال ۱۳۶۳ به اخذ جایزه اصلی (درجه سوم) در آوازخوانی از کمیته دولتی کلتور وقت نایل گردیده و در ماه سنبله سال ۱۳۶۴ جهت اجرای کنسرت به کشور منگولیا مسافرت کرده است. او غالباً آهنگهایش را در قالب دوبیتهایی که معمولاً سروده خودش اند می خواند. بهتر است بقیه سرگذشت زندگی او را از زبان خود او باز خوانیم که در شماره مورخ ۱۳۶۴/۵/۱۷ روزنامه هیواد به چاپ رسیده است:

«... در یکی از روزها دنبوره ای در دست یکی از دوستان خود دیدم ولی پولی نداشتم که آن را خریداری نمایم. بالاخره مجبور شدم یک مقدار از اموال خانه خود را بفروشم و آرزوی خود را به دست آورم. از همان جا شروع کردم به آموختن آن و آوازخوانی. بالاخره توانستم در سال ۱۳۴۶ به رادیو افغانستان آمده و همکاری خود را آغاز کنم. تا حال بیش از سیصد آهنگ در رادیو افغانستان ثبت نموده ام ...»

موسیقی نورستانی، ولی با تفاوت‌های زیاد از نظر اختلاف زبان پشه ای با نورستانی به اجرا درمی آید. یکی دیگر از خصوصیات موسیقی پشه ای این است که برخلاف مناطق سه گانه نورستان - که در آن جا هنرمند حرفه ای موسیقی اصلاً وجود ندارد و به صورت هنرمندی<sup>۲۲</sup> هر کس که مایل باشد نظر به ذوق و استعدادش در این هنر دست می یازد - در موسیقی پشه ای هنرمندان حرفه ای نیز در کنار هنرمندان شوقی وجود دارند. آلات مخصوص موسیقی مناطق پشه ای زبان افغانستان عبارتند از سه تار پشه ای، توله، منگی، دایره و دهل. آوازخوانان معروف پشه ای زبان در حال حاضر اینهايند: ملنگ باغبان، عبدالوکیل، غلام صدیق شنگی، غلام صدیق پشه ای، عصمت الله نورونی و آقاگل پشه ای و اما در این جا زندگینامه مختصر ملنگ باغبان را از نظر می گذرانیم که بیشتر و بهتر از هر آوازخوان دیگری، آهنگهای پشه ای را در رادیو تلویزیون خوانده است.

پدر ملنگ کارگر بوده و یارمحمد نام دارد. ملنگ در سال ۱۳۲۴ هجری خورشیدی در قریه مریم مربوط به ولسوالی علی شنگ ولایت لغمان<sup>۲۸</sup> به دنیا آمده و تا صنف نهم درس خوانده. بعد اشتغالات رسمی در اداره های دولتی از جمله اداره موسیقی رادیو افغانستان داشته است. وی ازدواج کرده صاحب یک پسر و یک دختر است و فعلاً به حیث خورد ضابط<sup>۲۹</sup> در چوکات انسامبل مرکزی وزارت دفاع فعالیت‌های هنری اش را ادامه می دهد و گاه گاهی از طریق انسامبل یاد شده آهنگهایی در رادیو تلویزیون می خواند. به آواز ملنگ باغبان حدود بیست آهنگ در آرشیف موسیقی رادیو و پنج آهنگ در آرشیف موسیقی تلویزیون موجود است. این هنرمند خوب علاوه بر زبان پشه ای، به زبانهای پشتو، دری و بلوچی نیز آوازخوانی می کند و هر آهنگی را که می خواند خیلی خوب می خواند. ملنگ عقیده دارد، نوازندگانی که بتوانند آهنگهای اصیل فولکلوریک پشه ای را بنوازند و یا حداقل بتوانند او و دیگر آوازخوانان پشه ای را در اجرای آهنگهای اصیل پشه ای همراهی بکنند، اکنون در رادیو تلویزیون و دیگر حلقه های هنری کشور وجود ندارند و بدین علت است که آوازخوانان پشه ای و نورستانی نمی توانند آهنگهای اصیل فولکلوریک مناطق خویش را در رادیو تلویزیون بخوانند و مجبورند اشعار خود را در قالب آهنگهایی بخوانند که نوازندگان موجوده رادیو تلویزیون آنها را همراهی کرده بتوانند.

**موسیقی پنجشیری<sup>۳۰</sup>**

این سبک موسیقی محلی نیز در نوع خود منحصر به فرد بوده و در آن معمولاً یک آوازخوان پیش خوان، اول به اجرای بخش اول آهنگ - که معمولاً یک غزل در زبان دری است - بدون همراهی ضرب نواز و کورس خوانها می پردازد و پس از آن بلاوقفه بخش دوم آهنگ در قالب یک تصنیف آغاز

می شود به گونه ای که کورس خوانان معمولاً آوازخوان را پس از خواندن هر بیت یا بند تصنیف با آواز و چک چک<sup>۳۱</sup> همراهی می کنند و در این حال یگانه آله موسیقی ای که حین اجرای آهنگهای اصیل پنجشیری از آن استفاده می شود همانا دف یا دایره است و بس. آوازخوانهای معروف این سبک موسیقی عبارتند از خیرمحمد پنجشیری، عبدالمجید پنجشیری، بابہ سیلابه، سلطان محمد نجربی، پردل پنجشیری، میرزامحمد پنجشیری و غیره که متأسفانه نگارنده را به هیچ یک از ایشان دسترسی نبود تا ذکر خبری از او به عمل بیاورد.

**موسیقی بدخشی**

این سبک موسیقی به صورت خاص در ولایت بدخشان<sup>۳۲</sup> معمول است که در آن بیشتر رباعیات و غزلهایی به زبان دری خوانده می شود. آلات موسیقی مخصوص آن دنبوره، غیچک، زنگ و زیرغلی هستند. از آوازخوانان معروف این سبک اینها را می شناسیم: بازگل بدخشی، محمدرحیم فرخاری، محمدنعیم، فیض محمد، نیازمحمد، درمحمدکشمی، آدینه بدخشی، سبزه گل، محمداکرم بدخشی، محمدشریف و محمدرحیم تغناری. در این میان جز رحیم تخاری که گاهگاهی جهت ثبت آهنگهایش در رادیو تلویزیون از ولایت تخار<sup>۳۳</sup> به کابل می آمد، از دیگران در سالهای پسین خبری در دست نبود.

**موسیقی شمالی**

این یکی از معروفترین سبکهای موسیقی محلی افغانستان است که به ترتیب در ولایات پروان، کاپیسا، بغلان و کابل معمول است. این سبک موسیقی از نگاه ترکیب آراکستر و نحوه اجرای میلودیها و جوه مشترکی با سبک موسیقی لوگری دارد با این تفاوت که همان طوری که همه آوازخوانان موسیقی لوگری در عین آوازخوانی، هارمونیبه نیز می نوازند، تقریباً تمام آوازخوانهای سبک شمالی، در عین حال نوازندگان تنبور نیز هستند. آلات موسیقی مخصوص این سبک عبارتند از تنبور، هارمونیبه، رباب و دهل. آوازخوانهای معرف این سبک موسیقی این افراد هستند: اسماعیل چاریکاری، ظاهر چاریکاری، حمیدالله چاریکاری، زمان شوقی، عبدالرزاق شوقی، قدیر استآلفی، گل محمد استآلفی، سیف الدین، گل آقا چاریکاری، غلام بهاءالدین، خداداد چاریکاری و عده ای دیگر که اغلب ایشان تا سالهای اخیر از همکاران خوب هنری رادیو تلویزیون بوده اند.

**موسیقی بلوچی**

سبک خاصی در موسیقی فولکلوریک ماست که بیشتر در سه ولایت نیمروز، فراه و هلمند<sup>۳۴</sup> به وسیله آوازخوانان و

نوازندگان به اجرا درمی آید. آلات مخصوص موسیقی این سبک عبارتند از سرورز (که به گفته متقدمین موسیقی، ویلون امروزی شکل انکشاف یافته آن است)، دونلی، دهل، بانجو و رباب. آوازخوانانی که در گذشته آهنگهای بلوچی به آواز ایشان در رادیو افغانستان ثبت و نشر شده است محمدظاهر، غلام سخی، محمدعلم یوسفی، فضل احمد، اسلمی، خان محمد بلوچ، محمدصفر، نجیب الله بلوچ، نوراحمد، یارمحمد، عزیزمحمد، ملنگ شیر، جمیله، گل محمد، حضرت گل، عبدالصیر و سیدملنگ راشد هستند که هیچ یک از آنان فعلاً همکار رادیو افغانستان نیستند و متأسفانه دسترسی به آنها مقدور نبود.

### موسیقی قندهاری<sup>۳۵</sup> (کندهاری)

این سبک موسیقی که آهنگهای آن در زبان پشتو و بیشتر در قالب غزل اجرا می شود با آن که رنگ و بوی افغانستانی دارد، تحت تأثیر موسیقی هندی نیز هست. آلات موسیقی مخصوص این سبک هارمونی، رباب و طبله هستند.

- افغانستان، وزارت اطلاعات و کلتور، صفحه ۳۵.
۸. فرمانداری بزرگ خوست در استان پکتیا.
  ۹. جفت.
  ۱۰. پشتون نشین.
  ۱۱. مناطقی در خاک پاکستان و در مجاورت مرز افغانستان.
  ۱۲. مغولستان.
  ۱۳. منسوب به اقوام اوزبک که در شمال افغانستان زندگی می کنند.
  ۱۴. استانی در شمال افغانستان.
  ۱۵. وهاب مددی، «استادان موسیقی اوزبک و ترکمن»، فرهنگ خلق، شماره ۵، سال ۱۳۵۸، ریاست کلتور، وزارت اطلاعات و کلتور، صفحه ۳۵.
  ۱۶. ماما: دایی.
  ۱۷. مرکز استان جوزجان در شمال افغانستان.
  ۱۸. کفشدوز.
  ۱۹. کلاس.
  ۲۰. استانی در شمال افغانستان.
  ۲۱. استانی در مرکز افغانستان.
  ۲۲. یکی از اقوام افغانستان که در مناطق مرکزی آن کشور زندگی می کنند.

## ● استاد ملنگ: نوازندگانی که بتوانند آهنگهای اصلی فولکلوریک «پشه ای» را بنوازند دیگر در رادیو و تلویزیون و حلقه های هنری کشور وجود ندارند.

- معمروفترین آوازخوان قندهاری که در سالهای اخیر همکاربهای گسترده هنری با رادیو و تلویزیون جمهوری افغانستان داشت، عبدالرؤف کندهاری بود که به رتبه جگتورن<sup>۳۶</sup> موسیقی در انسامبل مرکزی وزارت دفاع فعالیت هنری داشت.
- پانویس:
۱. بند ترجیع. آهنگهای بند ترجیع دار.
  ۲. از استانهای غربی افغانستان.
  ۳. دو نوع محفل موسیقی محلی.
  ۴. کوزه.
  ۵. نوعی رقص دسته جمعی محلی و ملی.
  ۶. تیرا منطقه ای است در پاکستان و در مجاورت مرز افغانستان.
  ۷. سیاوون غرنی، «حیری دمرکویه هنداره کی» پشتون ژغ، سالی سی ام شماره ۱۳، سال ۱۳۴۹، ریاست نشرات رادیو
۲۳. منطقه ای در استان کُر در شرق افغانستان.
  ۲۴. گروه کُر.
  ۲۵. ارتش.
  ۲۶. منسوب به قوم پشه ای که در شرق افغانستان سکونت دارند.
  ۲۷. سستی.
  ۲۸. استانی در شمال کابل.
  ۲۹. افسر پایین رتبه.
  ۳۰. منسوب به پنجشیر، منطقه ای در استان کاپیسا در شمال کابل.
  ۳۱. دست زدن.
  ۳۲. استانی در شمال شرق افغانستان.
  ۳۳. استانی در مجاورت بدخشان.
  ۳۴. سه استان در غرب و جنوب غرب افغانستان.
  ۳۵. منسوب به استان قندهار در جنوب افغانستان.
  ۳۶. رتبه ای نظامی.